

«به نام خدا»

یکی از مهم‌ترین صفات انسان، توانایی او در فرایند یادگیری است. در این فرایند یادگیرنده از طریق توجه و انگیزه، حواس خود را به کار می‌گیرد و چنانچه حس عمل کند موجب ادراک شده و مجموعه ادراکات چه از طریق تجربه شخصی و چه از طریق کسب آن در کنار تجربه دیگران موجب شکل‌گیری شناخت می‌شود و شناخت مبنای یادگیری است.

بر مبنای نظریه جان کمنیوس^۱ با انتشار کتاب «دنیای قابل رویت در تدریس»^۲ استفاده از رسانه‌های آموزشی در ابتدای سال‌های ۱۹۲۰ اتخاذ گردید. سپس جان پستالوزی^۳ حمایت‌کننده نظریه کمنیوس بوده و معتقد بر این که یادگیری باید با توجه به اشیاء واقعی باشد.^۴

این نکته مهم نیز گفتنی است تا بدانیم قبل از کمنیوس و پستالوزی، مانی این مطلب را به خوبی درک کرده بود و از طریق کتاب نقاشی شده خود «ارژنگ»، کتابی که مانی به سادگی نام «تصویر» بر آن نهاد، بی‌آن که واژه‌ای نوشته شود همه آئینش را به تصویر کشیده بود تا پیروانش آموزش ببینند. تا جایی که وقتی شاپور به او می‌گوید «تو گفتی دست‌های مطیع هستند». مانی جواب می‌دهد «ذهنم طراحی و دستم از آن پیروی می‌کند».^۵

1. Comenius
2. Orbis sensulium pictus (the visible world in picture)
3. Pestalozzi

۴. نوروزی، داریوش. (۱۳۹۴). *English for Specific Purposes*. تهران: گویش نو

۵. معلوف، امین. (۱۳۹۳). *مانی پیامبر باغ‌های اشراق* (ترجمه حسین نعیمی). تهران: ثالث

این جمله مانی از یک واقعیت علمی برخوردار است و آن این که ذهن فرمانده اندام‌های اجرایی هستند و نقاشی به عنوان یک رسانه آموزشی می‌تواند ذهن را تحت تأثیر خود قرار داده و یادگیری را تسهیل بخشد. شاید مجله ما نیز اولین مجله‌ی تکنولوژی آموزشی باشد تا بر مینای مقالات علمی - پژوهشی راه‌های رسیدن به یادگیری را تسهیل نماید.

دکتر داریوش نوروزی

زمستان ۹۴